کرونا در بازار پرندگان بی محابا جولان می دهد

جست‌وجو برای مرغ سیاه

حیدرزاده

این جا جمعه بازار است اما رنگ و بوی دیگری دارد، صحبت از خرید و فروش مواد خوراکی نیست؛ بازاری است که پرنده های دربند را در برگرفته و افراد زیادی را از شهر و روستا دور هم جمع کرده است. قفس های کوچک و بزرگ و خودروهایی که بعضی های شان حکم غرفه را دارد، از رونق بازار در این گوشه از شهر آن هم در یک روز تعطیل حکایت می کند. فروشندگان، پرنده های خود را بساط کرده اند اما در نگاه اول بساط کرونا را در لا به لای رفت و آمد افراد می بینی که آرام آرام پر می زند و حرکت می کند؛ گاهی روی دوش فردی می نشیند و برخی مواقع از قفس پرندگان سر در می آورد.

این جا زمینی خاکی در مجاورت ساختمان ستاد نگهداری و تعمیرات ماشین آلات سازمان عمران شهرداری بجنورد است و هر بار با عبور خودرویی از میان جمعیت، گرد و خاک به پا می شود و دلهره آلوده بودن محیط را با وجود باز بودن فضا، چند برابر می کند.

فاصله گذاری اجتماعی در حد صفر!

خرید و فروش پرندگان و بلبشویی که در این نقطه از شهر بجنورد برپاست استقبال بعضی از افراد را از این مکان نشان می دهد؛ جایی که از سر و سامان دادن به آن خبری نیست و افرادی که از همین راه نان می خورند ناچارند در شرایط نامناسبی کسب درآمد کنند آن هم در این ایام که کرونا ویروس شیوع پیدا کرده است.

جای سوزن انداختن نیست، فاصله گذاری اجتماعی در حد صفر است شاید از هر ۱۰ نفریک نفر ماسک زده باشد. فروشنده، خریدار و دلال رو در روی هم صحبت می کنند و وقتی به آن ها درباره خطر ابتلا به کرونا بگویید صحبت از شرایط کاری شان است که نمی توانند موارد بهداشتی را مد نظر قرار بدهند.

یکی از آن ها که سن و سال بالایی دارد با نیشخندی می گوید: «اگر به کرونا فکر کنیم زن و بچه های مان باید از گرسنگی بمیرند! همین چندرغازی که از این جمعه به آن جمعه از خرید و فروش پرنده به دست می آوریم، یک لقمه نان مان می شود و بس.»

او بال های خروس خوش آب و رنگ و بزرگ جثه ای را باز می کند و می بندد تا نظر رهگذران به آن جلب شود و با دست کشیدن روی نوک خروسی دیگر، از بالا بودن قیمت گندم برای سیر کردن شکم پرنده هایش گلایه می کند. او در این بازار پرتلاطم قیمت ها مانده، ولی ناچار است دم نزند و با همین شغل پاره وقت خود گذران زندگی کند.

پر کشیدن بهداشت

گویا بهداشت از بازار پرنده فروشان پر کشیده و کسی هم به مسائل غیربهداشتی که سلامت فعالان این بازار را نشانه گرفته است، توجهی ندارد. مردی از کنارم می گذرد و بدون این که ماسکی داشته و سدی باشد در برابر انتشار احتمالی کووید ۱۹، با عطسه ای محکم در معرض خطر بودن افرادی را که در این مکان رفت و آمد دارند، گوشزد می کند اما آیا مسئولان، این بازار پر رونق و شلوغ را نمی بینند که چنین بی تفاوت از کنار آن عبور می کنند؟

مرد میانسالی که به گفته خودش ۳ سال است در این مکان فعالیت می کند و در طول هفته در دوشنبه بازار فعال است، به ایجاد فضای نسبتاً مناسب در دوشنبه بازار اشاره می کند و از شهرداری می خواهد گوشه چشمی به بازار پرنده فروشان داشته باشد زیرا افراد زیادی ممر درآمدشان از این مکان است اما به دلیل سامان دهی نشدن آن با مشکلات زیادی مواجه هستند. ایجاد غرفه، آسفالت کردن محل و ایجاد حداقل یک مکان برای شست و شوی دست ها از جمله مواردی است که او و بسیاری از فروشندگان در این بازار آن ها را مطالبه می کنند، هر چند به برآورده شدن حتی یک مورد از آن ها امیدی ندارند.

پاتوق جمعه ها

در گوشه ای از بازار همهمه ای برپاست، قرقاول ها بال های زیبای خود را زیر نور آفتاب سر ظهر باز کرده اند تا از گرمای کم اما لذت بخش پاییز بیشتر استفاده کنند، کبوترها هراسان در قفسی باریک و کهنه از روی یکدیگر بالا و پایین می روند. فروشنده، کبوترهایش را حراج کرده و همین موجب ازدحام افرادی شده است که بدون ماسک، تنگاتنگ کنار یکدیگر ایستاده اند و کبوترها را ورانداز می کنند. بین آن ها «کبوتربازان» قدیمی هم دیده می شوند که همراهم آن ها را می شناسد. این جا پاتوق این افراد است تا با دیدن کبوترها و خرید و فروش آن ها، جمعه خوبی را برای خود رقم بزنند اما ممکن است با این وضعیت چشم پوشی از پروتکل های بهداشتی، جمعه دیگر از بیمارستان سر در بیاورند.

کیسه ای پر از خروس

چشمان ریز و قرمز خروس ها همه جا را می پایند، گهگاهی با سر دادن آوازی نصفه نیمه خودی نشان می دهند و گاهی در گوشه جعبه های کوچک پلاستیکی کز می کنند. البته بعضی های شان بیرون از جعبه ها هستند و پاهای شان در بند است. مردی با کیسه از راه می رسد که داخل آن ۲ خروس است. بازار پرنده فروشان را زیر و رو کرده و سرانجام دوباره بازگشته است. فروشنده از داخل جعبه ها خروس ها را از بال ها یا پاهای شان بیرون می کشد و درون کیسه کوچک و پاره ای می اندازد، سر و صدای آن ها که روی هم می افتند، بلند می شود. بال یکی از خروس ها از پارگی کیسه بیرون می زند، گویا دنبال راه فرار می گردد و فروشنده بدون توجه می شمرد: پنج و این هم ششمین خروسی که گفتی.

پول نقدی که ماه هاست بر آلوده بودن و کمتر استفاده کردن از آن تاکید شده است، بین آن دو رد و بدل می شود و مشتری که به گفته خودش از صبح خروس خوان بیدار شده است راهی روستای شان می شود تا با فروش این خروس ها بتواند درآمد امروزش را کسب کند.

> یک فروشنده: اگر به کرونا فکر کنیم زن و بچه های مان باید از گرسنگی بمیرند! همین چندرغازی که از این جمعه به آن جمعه از خرید و فروش پرنده به دست می آوریم، یک لقمه نان مان می شود و بس

پرندگان پرایدنشین!

مسافران خودروها انواع پرنده ها هستند که به همراه راننده خود به این بازار آمده یا فروخته شده اند تا در جای دیگری زندگی در قفس را ادامه دهند، البته بعضی های شان کشته و به غذا تبدیل می شوند. در صندوق عقب بیشتر پرایدها پرنده هایی در حال چرت زدن یا جست و خیز هستند که هر آن ممکن است از تعداد آن ها به واسطه فروخته شدن کم شود تا فروشنده سود هر چند اندکی را کسب کند و تا جمعه هفته بعد برنامه دیگری را برای خرید یا فروش پرندگانش بچیند.

کله های کوچک مرغ و خروس ها به شکل فشرده در صندوق عقب یکی از پرایدها تکان می خورد، مردی یکی از مرغ ها را انتخاب می کند و از فروشنده می خواهد همان جا سرش را ببرد و پرهایش را بکند. فروشنده که تبحر خوبی دارد به سرعت در همان شرایط غیر بهداشتی، مرغ را می کشد و پوست و پرهایش را «غلفتی» می کند! سر و صدای زیادی بین مسافران پراید ایجاد شده، گویا وحشت در دل آن ها به وجود آمده است و تا سایه ای روی سرشان می افتد، دست و پا می زنند و به نوعی ترس و اعتراض شان را اعلام می کنند.

به دنبال مرغ سیاه

زن و مرد جوانی را که از بدو ورودم به بازار پرنده فروشان دیدم، دوباره می بینم که در به در دنبال مرغ سیاه می گردند و حاضرند هر چقدر لازم است بابت آن پرداخت کنند چون تنها راه رهایی از مشکل زندگی شان، باطل کردن طلسم است و باید هر طوری که شده مرغ سیاهی را برای اجرای دستورات رمال تهیه کنند.

یکی از پرنده فروشان با گرفتن شماره تماس، به آن ها قول می دهد هفته آینده هر طوری که شده یه مرغ سیاه برای آن ها تهیه کند. او می گوید: مرغ سیاه این جا خیلی طرفدار دارد و همیشه افرادی که می خواهند جادویی را باطل کنند، به این مکان می آیند و التماس می کنند اما این پرنده به این راحتی ها پیدا نمی شود و گاهی اوقات زمان بر است، ولی پول خوبی دارد.

در این میان مرد میانسالی که مدعی است، دعا می نویسد و دعاهایش خوب جواب می دهد، بازار گرمی می کند و می گوید: دعاهایی که من می دهم رد خور ندارد، اگر مالت را دزدیده، کلاه سرت گذاشته یا بخت ات را بسته اند دوایش دست خودم است و نمی خواهد جای دوری بروی. مرغ سیاه مورد نیاز را از زیر زمین هم باشد، پیدا می کنم.

شماره تلفن را از او می گیرم و به ارتباط پرنده فروشی و رمالی فکر می کنم و از او قیمت خروس ها را می پرسم. او به خروس های کوچک جثه اشاره می کند که قیمت شان ۸۰ هزار و درشت شان ۱۲۰ هزار تومان است. مردی از درون قفس، خروس کوچکی را انتخاب می کند که برای خریدن پرایدش آن را قربانی کند. اما من فکر می کنم در این بازار بزرگ پرنده فروش ها، سلامت چند نفر بر اثر سهل انگاری و رعایت نکردن پروتکل های بهداشتی قربانی می شود؟

آشفته بازار

تعداد پسرهای نوجوان که قفس های کوچک پرندگان را در دست گرفته اند و به شکل سیار از این سو به آن سو می روند کم نیست، در این آشفته بازار هر کسی ساز خود را می زند و یک قیمت می دهد؛ خروس بازها، کبوتربازان، دوستداران خرگوش، سگ، مرغ فال بین و دلالان پرندگان در تکاپو هستند و جمعیت همچنان رو به افزایش است. صدها نفر به این مکان آلوده می آیند و می روند و تهدید کرونا در قیل و قال ها گم می شود و حتی بیشتر آن هایی که ماسک زده اند به شکل نمایشی یا نادرست از آن استفاده می کنند. مردی که به فکر خوردن گوشت ارگانیک است بدون ماسک آمده و کرونا را فراموش کرده است. افراد شانه به شانه هم راه می روند و برخی جاها موج جمعیت تو را با خود همراه می کند و باید نفس ات را پشت ماسک حبس کنی تا از آن شرایط ترسناک خارج شوی. ۲ پسربچه که هر کدام یک کبوتر در آغوش خود دارند، آمده اند که این جمعه ۲ کبوتر باقی مانده خود را بفروشند و خرید و فروش مرغ و خروس را آغاز کنند.

۲ قلاده سگ در گوشه و کنار دیده می شود و مردی در حال چانه زدن با صاحبان آن هاست، بدون توجه به دیگران آب دهانش را روی زمین می اندازد و به صحبت های خود ادامه می دهد.

فروش خوراکی

علاوه بر فروش انواع پرنده و خوراک آن ها در این مکان، بساط خوراک انسان نیز به راه است، انواع ساندویچ، میوه، چای آتشی، باقلای داغ، آب میوه و حتی گل و زرشک کوهی هم در نقاط مختلف این بازار فروخته می شود. بوی جگر که روی زغال در حال پختن است، تعدادی از افراد را به سمت خود کشانده است و در گوشه ای دیگر فردی که تازه کبوترهایش را فروخته، تقاضای یک ساندویچ همبرگر مخصوص می کند و با همان دستان آلوده ساندویچ را می گیرد و گاز جانانه ای به آن می زند!

پیرمردی روی چهارپایه کوچکی نشسته و تعدادی آبمیوه، کیک و بیسکویت روی جعبه ای در معرض فروش گذاشته است و می گوید: «خیلی از شهرها بازار پرنده دارند و شرایط مناسبی را فراهم کرده اند اما دریغ از ذره ای توجه به این مکان. بیشتر کسانی که به این جا می آیند افراد نیازمندی هستند که تنها ممر درآمدشان خرید و فروش پرنده است اما خودتان وضعیت را می بینید که سال هاست به حال خود رها شده است.»

جمعیت به سیاهی می زند و زندگی به گونه ای دیگر جریان دارد.

یک کبوتر از دستان فروشنده فرار و به سوی آسمان پرواز می کند، نگاه ها به سوی اوست که همچنان اوج می گیرد و دور و دورتر می شود، نظرم به کبوترانی که کمی آن طرف تر در آسمان آبی پرواز می کنند جلب می شود، کبوترهایی که شاید تا چندی پیش در این بازار در بند بودند و حالا به گونه ای دیگر در بند شده اند.

صحبت پسربچه کبوتر فروش در گوشم زنگ می زند که می گفت: «کبوترهای مریض را ۳ تا ۴ هزار تومان می فروشیم، آن ها را برای خوردن می برند چون مدت زیادی زنده نمی مانند.»

با این وضعیت بهداشتی که در این مکان و در بسیاری از جاهای دیگر وجود دارد و با توجه به وضعیت قرمز استان، آیا از ابتلا به ویروس کرونا در امان خواهیم بود؟

آگهی مزایده

آگهی مزایده اتومبیل پرونده اجرائی کلاسه ۹۸۰۰۲۷۰ به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۱۳۹۸۰۴۰۰۷۱۵۱۰۰۰۲۵۸/۱ خانم اقدس ثمینی، نام پدر: حسین، تاریخ تولد: ۱۳۶۳/۰۶/۳۱ به شماره ملی: ۰۶۳۹۴۶۸۴۶۲ به نشانی: اسفراین- خیابان طالقانی ۱۳- پلاک ۱۴۵ جنب نرجسیه جهت وصول تعداد ۲۱۴ عدد سکه تمام بهار آزادی علیه: آقای محسن حیدری فرزند شارضا متولد ۱۳۵۸/۰۱/۰۲ و شماره ملی ۰۶۳۹۵۳۳۲۹۹ به نشانی: اسفراین- بلوار آزادی- کوچه شهید یعقوبی باستناد سند نکاحیه شماره ۱۶۱۷۴ مورخ ۱۳۸۷/۰۶/۰۷ دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۳۲- ازدواج اسفراین مبادرت به صدور اجرائیه نموده است که بنا به درخواست بستانکار (زوجه) یک دستگاه سواری ولیکس C۳۰ ایران ۲۶-۷۵۷ط۱۸ به شماره موتور ۱۵۱۲۰۱۱۳۵۸۹VGW۴G و شماره شاسی ۰۰۱۲۰۹NA۶NF۲۱۱۸DC به رنگ سفید روغنی متعلق به مدیون بازداشت گردید و به موجب صورتجلسه کارشناسی مورخه ۱۳۹۸/۰۷/۱۴-۱۳۹۹۰۵۰۰۷۱۵۱۰۰۰۶۷۵ کارشناس رسمی دادگستری با مشخصات ذیل: خودروی فوق الذکر از نظر بدنه و موتوری و سیستم تعلیق و ... خوب بوده و بیمه آن مشخص نیست ارزش کل خودرو به مبلغ ۸۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردید که خودروی فوق الذکر در قبال قسمتی از طلب بستانکار به مبلغ (۸۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال) از طریق مزایده در روز یکشنبه مورخه ۱۳۹۹/۰۸/۱۱ از ساعت ۹ تا ۱۲ ظهر در محل شعبه اجرای اداره ثبت اسناد و املاک اسفراین به بالاترین قیمت که خریدار داشته باشد به فروش خواهد رسید و مبلغ ۴۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال حقوق دولتی و مبلغ ۵۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت حق مزایده می باشد که حق مزایده و نیم عشر علاوه بر مبلغ ارزیابی که طبق تبصره ۶ ماده ۱۲۱ آئین نامه اجراء پرداخت بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و کلیه بدهی های مربوطه تا تاریخ مزایده اعم از این که رقم قطعی آنها معلوم شده باشد یا نشده به عهده برنده مزایده است و هزینه های قانونی طبق مقررات وصول خواهد شد همچنین در صورت تعطیلی روز مزایده در روز بعد از تعطیل رسمی در ساعت تعیین شده برگزار می گردد در ضمن به موجب آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی اجراء به بستانکار تفهیم گردید اداره ثبت موظف است فقط صورتجلسه تحویل و همچنین انتقال اجرائی در دفترخانه را تنظیم و انجام نماید و نامبرده باید از طریق اداره راهنمائی و رانندگی اسفراین نسبت به تعویض پلاک و هزینه های احتمالی خودرو مذکور اقدام نماید. **تاریخ انتشار:۱۳۹۹/۰۷/۲۷**

۳۴۱/م الف

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک اسفراین- اردلان محمدی

۹۹۰۵۵۶۲۰/و

Golrang

شرکت گلرنگ پخش (سهامی خاص)

Oila Famila

دعوت به همکاری

شرکت گلرنگ پخش ، توزیع کننده محصولات غذایی و بهداشتی (اویلا - فامیلا- مای-شون -آیری پلاست- اکشن) یکی از معتبرترین شرکت های پخش در سطح کشور ، جهت تکمیل نیرو از واجدین شرایط به شرح ذیل دعوت به همکاری می نماید .

۱- حسابدار : با سابقه کار ، مدرک تحصیلی لیسانس و ضامن معتبر

۲- انباردار : با سابقه کار ، مدرک تحصیلی لیسانس و ضامن معتبر

۳- مأمور پخش : با سابقه کار ، مدرک تحصیلی دیپلم و ضامن معتبر

آدرس : بجنورد-بلوار ولایت – نرسیده به پلیس راه – کارخانه پنبه پاک کنی کاویانی – شرکت گلرنگ پخش

تلفن تماس : ۰۵۸ – ۳۲ ۳۱ ۳۷ ۴۱

۹۹۰۵۵۵۳۹/

آگهی تغییرات شرکت مسکن بسیجیان شیروان شرکت تعاونی به شماره ثبت ۳۴۷ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۲۹۹۲۲۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - صورتهای مالی تعاونی شامل صورتحساب سود و زیان، تقسیم سود و ترازنامه مالی منتهی به سالهای۱۳۹۷/۱۲/۲۹ و ۱۳۹۸/۱۲/۲۹ به تصویب مجمع عمومی رسید . - حجی اسماعیل دولتی بشماره ملی ۰۸۲۸۵۷۶۵۰۵ بسمت بازرس اصلی و سلیمان شادمان بشماره ملی ۰۸۲۸۰۲۵۹۸۳ به عنوان بازرس علی البدل شرکت تعاونی برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.

۱۰۰۷۵۹۱/م الف اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری شیروان

۹۹۰۵۳۳۲۲/

آگهی تغییرات شرکت زمرد سازان الوان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۰۲ و شناسه ملی ۱۰۴۸۰۱۲۶۷۳۲

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ـ خانم/ آقای فاطمه میرزائی به شماره ملی ۰۶۸۱۹۷۶۳۶۵ به سمت مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره ۲ـ خانم/ اقای معصومه میرزائی به شماره ملی ۰۶۷۰۴۶۶۴۹۱ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره ۳ـ خانم/ آقای سیدحسن علوی زاده به شماره ملی ۰۷۸۰۱۲۴۶۳۴ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره انتخاب شدند . - کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادها و عقوداسلامی با امضاء خانم فاطمه میرزائی (مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره) و اوراق عادی ونامه های اداری با امضای خانم فاطمه میرزائی (مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره) همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

۱۰۰۷۵۷۰/م الف اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری بجنورد

۹۹۰۵۳۰۷۴/

سرو چوب

مجری تمام ایده های چوبی شما

خراطی

کابینت چوبی،
آلاچیق چوبی،
اجرای نرده چوبی،
راه پله دوبلکس چوبی،
مبل و نهارخوری استیل،
پارکت ودیوارکوب چوبی،
دربهای تمام چوب و پرسی،
سرویس خواب و...

مدیریت جعفر سروی

۰۹۱۵ ۱۸۹ ۵۷۰۰

بجنورد - روبه روی رستوران اکبرجوجه - ۱۰۰ متر داخل جاده ینگه قلعه

۹۹۰۰۳۴۳۳/